



اشاره

همه چیز برای برپایی این همایش آماده است. بسیج دانشگاه از چند روز پیش تمام انرژی و حرکت خود را برای آماده شدن این همایش هزینه کرده است و انصافاً همه چیز خوب و آبرومند به نظر می‌رسد؛ اما سوالاتی ذهنت را مشغول کرده است. با خود می‌اندیشی این همایش، امسال چگونه برگزار می‌شود؟ در همین زمان گروهی از همکلاسی‌ها کنارت قرار می‌گیرند. یکی از آن‌ها روبه تو می‌کند و با خواندن تکه کاغذی که روی میز قرار گرفته، می‌گوید: همایش وحدت حوزه و دانشگاه! لازم نیست چیزی بگویی، چون خیلی زود راهشان را کج می‌کنند و می‌روند.



الهام رضایی

ضربان‌های ناموزون در دو قلب تپنده

به بهانه وحدت حوزه و دانشگاه

خوردن شراب را حرام کرده و دلایل و مضرات آن را بیان نموده، اما اگر کسی از نظر ایمان ضعیف باشد، با توجیهات خاص، خوردن را جایز می‌داند. در چنین شرایطی قطعاً ارائه نظرات کارشناسان علوم پزشکی و جامعه‌دانشگاهی لازم و ضروری به نظر می‌رسد. به عبارت دیگر با استناد علمی مطرح شود که نوشیدن شراب باعث تولد فرزندان بیمار، درگیری لوزالمعده و بیماری شدید کبدی می‌گردد. در چنین شرایطی کمتر کسی با اعتقاد و ایمان قلبی به سراغ این نوشیدنی مضر و حرام می‌رود.

این طلبه عنوان می‌کند: دین اسلام در عین حال که دین عبودیت و بندگی است، شاید بتوان گفت ۱۰۰ درصد دین پزشکی می‌باشد؛ یعنی هر واجب و حرامی و مستحب و مکروهی یک جنبه پزشکی دارد. لذا اگر یک روحانی بر منبر در کنار احکام، فلسفه و دلایل پزشکی را هم متذکر شود، شنوندگان وی بهتر سخنانش را درک می‌کنند. پس استناد به علوم دانشگاهی در کنار علوم حوزوی پر ثمر خواهد بود.

سعید حق‌پرست دانشجوی علوم پزشکی با اظهار اینکه حضور متقابل دانشگاهیان و حوزویان می‌تواند به تحقق وحدت این دو قشر بینجامد، به حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند که فرموده‌اند: «علم دو نوع است علم بدن‌ها و علم دین‌ها».

وی با استناد به همین حدیث، قشر حوزه و دانشگاه را لازم و ملزوم یکدیگر عنوان کرده و می‌گوید: اگر دانشگاهیان و حوزویان در کنار هم و محیط‌های یکدیگر حضور نداشته باشند، این عدم حضور، بی‌اطلاعی از نظرات و علوم یکدیگر را به همراه خواهد داشت.

این دانشجو ایجاد کمیته هماهنگی و ارزیابی متشکل از رؤسای دانشگاه‌ها، سازمان تبلیغات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مدیر حوزه‌های علمیه، معاونین پژوهشی و فرهنگی دانشگاه‌ها و ائمه جماعات را ضرورتی در جهت نیل به تحقق وحدت حوزه و دانشگاه توصیف می‌کند.

نگاه حوزه و دانشگاه نسبت به هم تصحیح شده است

رئیس نهاد نمایندگی رهبر معظم انقلاب در دانشگاه‌ها نیز تحول رابطه میان حوزه و دانشگاه‌ها را از مهم‌ترین تحولات کشور برشمرد و می‌گوید: امروز آن طور نیست که حوزویان، دانشگاهیان را بی‌اعتقاد و یا دانشگاهیان حوزویان را قدیمی و متحجر بخوانند، در حقیقت نه دانشگاهی جای حوزوی را تنگ کرده و

آری وحدت حوزه و دانشگاه از مسائلی است که همواره بعد از پیروزی انقلاب مورد توجه صاحب‌نظران و اندیشمندان بوده است. هر ساله در آستانه «۲۷ آذر» یاد و خاطره منادی این وحدت، شهید دکتر مفتاح رحمته الله علیه گرامی داشته می‌شود، اما در این میان پرسشی اساسی باقی مانده است و آن اینکه اصلاً وحدت حوزه و دانشگاه یعنی چه؟ حضرت امام خمینی رحمته الله علیه در دوره‌های مختلف شکل‌گیری انقلاب اسلامی و پس از آن برای بیداری، هدایت و همگام ساختن مردم از دو نهاد علمی و مردمی حوزه و دانشگاه با تعابیری بلند چون قلب پنبه، نبض زنده ملت و یا دو شاخه از یک شجره طیبه به این دلیل یاد می‌کردند که «اولاً این دو پایگاه علمی و فرهنگی، مردمی‌ترین نهادهای تشکیلاتی ریشه‌دار جامعه بوده است و هستند که با مردم، دین و فرهنگ ارتباطی مستمر و تنگاتنگ داشته و دارند. ثانیاً مهم‌ترین و اصلی‌ترین مرکز علمی و فرهنگی جامعه و کشور به شمار می‌رفته و می‌روند و ثالثاً حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های اسلامی، مهم‌ترین جلوه‌های بنیادین تمدن اسلام بوده و هستند»^۱.

پس امام خمینی رحمته الله علیه با احیای این دو مرکز قصد داشتند تمدن نجات‌بخش اسلام را بار دیگر در این دنیای ظلمت‌زده زنده کنند و این چنین بود که فرمودند: «من به شما و تمام نسل‌هایی که بعد از شما و ما خواهند آمد هشدار می‌دهم که ملت و روحانیت، دانشگاه و روحانیت از هم جدا نشوند که جدا شدن این‌ها از هم هلاکت ملت، اسلام و هلاکت کشور می‌باشد»^۲.

اما در شرایط فعلی و با وجود تلاش‌هایی که در راستای ایجاد شکاف میان این دو مرکز انسان‌ساز و یا به کلام بهتر میان این دو قشر «حوزویان» و «دانشگاهیان» به چشم می‌خورد، چگونه می‌توان به تحقق وحدت و همبستگی میان این دو دلخوش بود؟! آیا می‌توان فضای این دو مرکز را هم‌رنگ، اهداف و آرمان‌هایشان را هم‌سو و حوزویان و دانشگاهیان را به هم پیوند داد تا آن‌جا که دانشجوی حوزوی و حوزوی دانشگاهی، بخش عظیمی از فضای این مراکز را به خود اختصاص دهند؟!^۳

برای یافتن پاسخ این سؤالات به میان این دو قشر می‌رویم. سجاد حائری‌نیا طلبه پایه هفت حوزه، وحدت حوزه و دانشگاه را در سایه وحدت اخلاقی، آرمانی، سیاسی و اجتماعی این دو قشر عنوان می‌کند و می‌گوید: شاید بهترین مصداق برای این دو قشر آن است که علوم دانشگاهی را همچون چراغ و علوم دینی را همچون نقشه در مسافرت با اتومبیل در نظر بگیریم. قطعاً چراغ اتومبیل تنها قسمتی از راه را روشن می‌کند، اما نقشه مقصود را نیز نمایان می‌سازد. پس همسویی و همگام شدن در عرصه‌های اخلاقی، آرمانی، سیاسی و اجتماعی به نزدیک‌تر شدن این دو قشر می‌انجامد.

وحدت رویه و همکاری در عمل

علی‌اکبر مهدوی‌فر طلبه پایه شش با بیان اینکه وحدت رویه و همکاری در عمل لازمه‌ای است اجتناب‌ناپذیر، می‌گوید: در شرایط فعلی اگر بخواهیم معضل یا خطری را پیشگیری و درمان کنیم، با همکاری این دو قشر امکان‌پذیر می‌باشد. به طور مثال اسلام،



نه حوزوی جای دانشگاهی را، چنان که بیش از چهار هزار استاد معارف در دانشگاه‌ها تدریس می‌کنند و بیش از یک میلیون ساعت تدریس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها صورت می‌گیرد. همچنین دفتر نهاد نمایندگی رهبر معظم انقلاب نیز در بیش از ۱۴۰ دانشگاه کشور فعال می‌باشد، اما مشکلی که در شرایط کنونی با آن مواجه هستیم، کافی نبودن امکانات موجود برای پاسخگویی به دانشگاهیان علاقه‌مند به تعمیق بینش‌های معنوی می‌باشد.^۳

تدوین سند راهبردی وحدت حوزه و دانشگاه

در این بین رئیس سازمان بسیج استادان، از تدوین سند راهبردی وحدت حوزه و دانشگاه خبر می‌دهد و این سند را برگرفته از متون شارع مقدس، فقه غنی حوزوی، بیانات امام راجل علیه السلام و بیانات مقام معظم رهبری عنوان می‌کند.^۴ اما آنچه به آن اشاره شد و مد نظر برخی جوانان اعم از حوزویان و دانشگاهیان، وزیر سابق علوم و فن‌آوری اطلاعات، رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری و رئیس سازمان بسیج استادان بود، حقیقتاً آرمانی است متعالی؛ چرا که دانشگاهی شدن حوزه‌ها و حوزوی ساختن دانشگاه‌ها، نظام و کشور ما را بیش از پیش بر بلندای موفقیت و سربلندی می‌نشانند. به عبارت دیگر همسو کردن اهداف و آرمان‌های این دو نهاد، همفکر ساختن این دو قشر، تدوین برنامه‌هایی با رنگ و بوی یکسان در دو بستر حوزه و دانشگاه و ایجاد تعامل سازنده بین دو مکتب انسان‌ساز (حوزه و دانشگاه) افق روشن‌تری را ترسیم می‌سازد که قطعاً تحقق این مهم همچون همیشه در سایه اقدامات و برنامه‌هایی ممکن می‌شود که شاید بتوان آن‌ها را این‌گونه تفسیر کرد:

- یافتن عوامل مؤثر در ایجاد وحدت و راهکارهای عملی کردن آن‌ها
- بررسی عوامل تفرقه‌انگیز و شیوه‌های برخورد با آن‌ها

- ایجاد و گسترش نشریات تخصصی و مشترک
- نظرخواهی از دانشگاهیان و حوزویان جهت ارائه راهکارهای علمی به صورت فراخوان مقاله و ...
- جذب مشاوران دانشگاهی در حوزه‌ها
- برپایی نشست و همایش‌هایی با همین موضوع (وحدت حوزه و دانشگاه)
- دعوت از افراد فرهیخته و نخبه جهت ارائه راهکارهایی در خصوص تحقق وحدت این دو قشر
- تجهیز ساختن تمامی دانشگاه‌ها به یک دفتر و نهاد دینی جهت پاسخگویی به اشکالات، ابهامات و شبهات دانشجویان
- دعوت از اساتید حوزه و دانشگاه‌ها در نشست‌ها و حتی همایش‌های تخصصی
- برپایی اردوهای زیارتی - سیاحتی مشترک
- برگزاری مسابقات ورزشی مشترک
- اولویت‌دهی به موضوع وحدت حوزه و دانشگاه در پایان‌نامه‌ی طلاب و دانشجویان و منظور ساختن امتیاز بیشتر به چنین موضوعاتی
- و در نهایت تشویق و ملزم ساختن حوزویان و دانشگاهیان به انجام تحقیق و پایان‌نامه‌های مشترک که توأمآ تهیه، تنظیم و ارائه شود.
- بدون شک انجام این اقدامات و تحقق آن‌ها می‌تواند دستان گرم و ساعی جامعه دانشگاهی و حوزوی را به هم گره و پیوند زند تا آنجا که به همت همین دست‌ها، علم و عمل به بار نشینند و ایران را همچون همیشه سربلند، سرفراز و سبز به جهانیان معرفی سازند.

پی‌نوشت‌ها

۱. صحیفه نور.
۲. همان.
۳. برگرفته از سایت www.magiran.com/npview.asp
۴. برگرفته از مراسم سخنرانی دکتر زاهدی در جمع استادان بسیجی در تالار علامه امینی دانشگاه تهران.

با وحدت و انسجامی که بین حوزه و دانشگاه ایجاد شده و می‌شود، باید بتوانیم مقدمات ساخت یک دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی را نه تنها در ایران، بلکه در جهان فراهم کنیم.

اگر یک روحانی بر منبر در کنار احکام، فلسفه و دلایل پزشکی را هم متذکر شود، شنوندگان وی بهتر سخنانش را درک می‌کنند. پس استناد به علوم دانشگاهی در کنار علوم حوزوی پر ثمر خواهد بود.

امام خمینی علیه السلام: «من به شما و تمام نسل‌هایی که بعد از شما و ما خواهند آمد هشدار می‌دهم که ملت و روحانیت، دانشگاه و روحانیت از هم جدا نشوند که جدا شدن این‌ها از هم هلاکت ملت، اسلام و هلاکت کشور می‌باشد.»